



زنان فنلاند؛ پیشقدم در به دست آوردن حق رأی

در سال ۱۹۰۶ هنوز فنلاند یک کشور کشاورزی در اروپا محسوب می‌شد. در یک جامعه کشاورزی، زنان و مردان در وضعیت چندان متفاوتی به سر نمی‌بردند. زنان در کنار مردان در مزرعه کار می‌کردند و با تمام کارهایی که باید انجام می‌شد آشنا بودند. در آب و هوای سخت و سرد فنلاند، کارهای مزرعه باید وقتی انجام می‌شد که هوا اجازه می‌داد.

فنلاند سرزمینی آماده برای پذیرش بیکاری زنان نبود. کشور، فقیر بود و همه باید کار می‌کردند. مردم مرفه شهری کم بودند و طبقه بالایی اجتماعی مانند دیگر کشورهای اروپایی وجود نداشت. در ابتدای قرن بیستم سه چهارم زنانی که کار می‌کردند کارشان کشاورزی بود. صنعتی کردن کشور، به خصوص رشد صنعت جنگل در در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ به اجرا درآمد. کارخانه‌های بافندگی و تنباکو که زودتر بنا نهاده شده بودند به زنان پیشنهاد کار کردند.

کارگران زن ارزانتر از کارگر مرد بودند. یک زن کشاورز به طور سنتی نصف یک کشاورز مرد دستمزد می‌گرفت. هرچند او بیش از نصف یک مرد کار می‌کرد. زنان بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران کارخانه‌ها را تشکیل می‌دادند.

در سال ۱۹۱۰ حدود یک سوم استخدام شدگان در بخش صنعت و صنایع دستی، زنان بودند.

تا دهه ۱۹۵۰ کشاورزی جایگاه خود را به عنوان منبع اصلی استخدام در فنلاند حفظ نموده بود. از آن به بعد این کشور از نظر ساختار اقتصادی دستخوش تغییر

منیرالسادات مرتضوی

زنان فنلاند از دیر باز در زندگی کاری مشارکت فعال داشته‌اند. آنان در روستاها به عنوان کارگران و خدمتکاران مزرعه و در شهرها به عنوان خدمتکار خانواده اشتغال داشتند و یا تولیدات خود را در معرض فروش قرار می‌دادند.

در جامعه فلاحی، زنان علاوه بر مهارت در کار خود، به هنگام ضرورت، بسیاری از وظایف مردان را نیز انجام می‌دادند. آنان با توجه به ضرورت‌های اقتصادی کار می‌کردند. وقتی زنان داخل فعالیت‌های اقتصادی شدند تا قدرت کار خود و یا تولیدات خود در منزل را بفروشند، آنچه برای فروش عرضه می‌کردند برپایه مهارت‌های سنتی بود و بسیاری از تولیدات آنها به صورت تولیدات صنعتی عرضه می‌شد. اتحادیه زنان فنلاند در سال ۱۸۹۴ تقویم کار زنان فنلاندی را چاپ کرد. این تقویم نشان می‌دهد که طی دوران قحطی سالهای ۶۸-۱۸۶۷ صادرات صنایع خانه: کتان، نخ بافندگی (تابیده) میوه، جوراب‌های پشمی در حدود هزار برابر افزایش یافته است. این تلاش از ناحیه زنان فقط برای از بین بردن کمبود در سالهای قحطی صورت گرفته است.

شده و به جامعه شهری مرفه با اکثریت نیروی کار تبدیل شد. این تغییر اساسی در فنلاند دیر به وقوع پیوست ولی بعد از وقوع، بسیار سریع پیشرفت کرد. شرایط جدید، فرصتهایی را برای کار زنان ایجاد کرد. آنان امکان برگزیدن شغل‌های متنوع‌تری را بدست آورده بودند.

بعد از جنگ جهانی دوم نسبت زنان، به خصوص زنان متأهل، در نیروی کار به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و در ۱۹۸۸، زنان ۴۸ درصد کل نیروی کار را تشکیل می‌دادند. تاکنون نیز اکثر به دست‌آورندگان دستمزد حقوق، زنان هستند.

زنانی که جویای شغل نباشند امروزه در فنلاند نادرند و می‌توان گفت، نمونه‌ای در میان زنان جوان وجود ندارد. در ۱۹۲۰ ده درصد زنان متأهل کار می‌کردند و در ۱۹۸۰ این آمار به ۷۰ درصد رسید.

مردان و زنان غالباً تمام وقت استخدام می‌شوند. زنان پس از ازدواج و داشتن فرزند به کار ادامه می‌دهند. تنها ۱۱ درصد از زنان و ۶ درصد مردان دارای شغل نیمه وقت هستند. زنان فنلاند شغل را به عنوان گذران مرحله‌ای از زندگی تلقی نمی‌کنند. آنها کار را جزو وظایف خود می‌دانند و می‌خواهند از تعلیماتشان بهره ببرند و زندگی خود را تحت کنترل داشته باشند.

تا سال ۱۹۹۳ از ۲/۵ میلیون نیروی کار، ۴۷ درصد آنان زنان بودند. نسبت زنان بین سنین ۷۴-۱۵ سال در نیروی کار در سال ۱۹۹۳، ۶۱/۲ درصد و مردان همین گروه سنی ۶۹/۶ درصد می‌باشد. ۵۱/۶ درصد حقوق‌بگیران و ۳۳ درصد صاحبان مشاغل زنان هستند. بیش از ۶۰ درصد استخدام‌شدگان در بخش خدمات زنان هستند. آنان در زمینه آموزش، بهداشت و امور اجتماعی فعالیت می‌نمایند. در صنعت ۲۷ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. آنان در صنایع پوشاک و لباس و صنعت لاستیک و چرم اکثریت را دارا هستند. در حوزه کشاورزی و جنگل‌داری، مشارکت زنان ۳۲ درصد است. کارهای دفتری به وسیله زنان قبضه شده و بیش از ۹۰ درصد کارکنان بخش اداری و دفتری زنان هستند.

نرخ بیکاری زنان پایین‌تر از مردان است. ۳۸/۴ درصد بیکاران را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۳ درصد کارکنان ادارات دولتی را زنان تشکیل می‌دهند و نسبت آنان در مشاغل رسمی بالا در سال ۱۹۹۱، ۱۶/۴ درصد

بوده است.

سهم زنان در مدیریت اجتماعی در سال ۱۹۹۰ به ۲۲ درصد افزایش یافته است. در سطوح عالی اشتغال در دانشگاهها مشارکت زنان، بین ۱۰ تا ۴۴ درصد است. یکی از شغل‌های فراگیر بین زنان شغل معلمی است که در دوره‌های مختلف آموزشی متفاوت است. نسبت زنان به دوره مقدماتی ابتدایی بیش از ۷۱ درصد و در مرحله دوم دوره ابتدایی و نیز دوره متوسطه ۵۵ درصد می‌باشد.

شمار قابل توجهی از زنان در دولت و مجلس اشتغال دارند که در بخش مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان به تفصیل بدان خواهیم پرداخت.

اشتغال زنان در رسانه‌های گروهی

در حال حاضر تعداد روزنامه‌نگاران زن و مرد در فنلاند تقریباً برابر است. طی دهه ۱۹۸۰ نسبت زنان از ۴۵ درصد به ۴۹ درصد افزایش یافت. آمار فوق شامل نویسندگان روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون می‌باشد. کلیه نویسندگان مطبوعات عضو اتحادیه روزنامه‌نگاران هستند.

با آن که زنان روزنامه‌نگار از سطح آموزش بالاتری نسبت به مردان برخوردارند ولی موفقیت آنان در پستهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی پایین‌تر و تأثیر مردان بیشتر است. زنان از استقلال کمتری برخوردارند. به رغم تعداد برابر زنان و مردان، قدرت و مدیریت تصمیم‌گیری در رسانه‌ها در دست مردان است.

در رادیو و تلویزیون از ۱۰ مدیر برنامه ۲ نفر زن می‌باشند. ۸۵ درصد مدیران متوسط و مسؤلان بخشها مردان هستند.

جدایی مشاغل

گسترش مشارکت زنان در زندگی کاری به معنی برابری بین جنسیتها در بازار کار نمی‌باشد. هنوز تقسیم‌بندی آشکاری بین شغل‌های زنان و مردان وجود دارد. روشن است که قدرت و پول هنوز به وسیله مردان کنترل می‌شود. اگر چه مانع و سد قانونی برای بالا بردن نسبت زنان در میدانهای مختلف وجود ندارد ولی ۹۰ درصد کارهای مدیریتی تجاری و مالی به عهده مردان است.

حقوق و دستمزد زنها کمتر از مردان است. به طور

● زنان فنلاند، جزو

اولین زنان اروپایی

بودند که در سال ۱۹۰۶

به حق رأی در انتخابات

سیاسی دست یافتند و

جزو اولین زنانی بودند

که واجد شرایط

انتخابات پارلمانی

شدند.

متوسط درآمد یک زن فنلاندی در بخش خصوصی و عمومی ۲۰ درصد کمتر از یک مرد فنلاندی همکار اوست. حتی اگر چه بیشتر زنان زیر ۴۰ سال از تحصیلات بالاتر از مردان در همان گروه سنی برخوردار باشند.

جدایی شغل‌های زنان و مردان (گرایش زنان به حرفه‌هایی غیر از حرفه‌های مردان) پدیده میرمی است که در طول ۳۰ سال گذشته عملاً ثابت مانده و تنها ۰/۷ درصد از شغل‌ها شامل مردان و زنان به طور مساوی می‌شود.

نوع تحصیلات و تعلیمات حرفه‌ای در فنلاند به طور قوی با توجه به جنسیت مجزا شده است. دختران برای رشته‌های خدماتی و مراقبتی آماده می‌شوند و پسران به طرف رشته‌های فنی و تکنیکی جذب می‌گردند.

۰۶۲۱ معنی به شما بگوید که چگونه

زنان و حقوق

در اوایل قرن جاری به موازات تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طرح مباحث حقوقی انسانها در جوامع غربی مسأله حقوق زن و تساوی آن با حقوق مرد مطرح شد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر تساوی حقوق زن و مرد صریحاً اعلام گردید. به دنبال آن، جعل و تدوین قوانین در این باب در کشورهای آغاز شد. در کشور فنلاند با آن که زنان از سه قرن پیش برای کسب استقلال اقتصادی، سیاسی، اجتماعی تلاش می‌کردند، بحث فعال درباره حقوق زن در نیمه دوم قرن نوزدهم شروع شد.

اولین قانون آزادی زنان از قیومیت در سال ۱۸۶۴

تصویب گردید که به موجب آن زنان مجرد ۲۵ ساله مجاز بودند امور خویش را بدون قیم انجام دهند. ولی زنان متأهل، تحت سرپرستی همسرانشان بودند تا آن که به وسیله لایحه ازدواج در سال ۱۹۲۹ به طور قانونی مستقل شدند.

از آن زمان، تغییرات اساسی در وضعیت حقوق زنان فنلاند ایجاد شده است و امروزه برابری بین زن و مرد یکی از اهداف مهم سیاسی اجتماعی فنلاند است. به این معنی که زنان و مردان بایستی دارای حقوق مساوی، تعهدات و فرصت‌هایی واقعی برابر در همه جنبه‌های

زندگی باشند. آنان معتقدند برابری بین زن و مرد مستلزم تشابه آنان نیست بلکه بر عکس به این معنی است که عدم تشابه، نباید منجر به وضعیت نابرابری زنان و با رفتار نامساوی با آنان در جامعه شود.

برابری وقتی محقق می‌شود که تجربه، دانش، و ارزشهای زنان و مردان از اعتبار و تأثیر مساوی در جامعه برخوردار گردد. لذا باید کوششهای فعالانه‌ای در جهت ارتقای وضعیت زنان صورت گیرد.

حکومت فنلاند در دو دهه گذشته سیاستهای برابری را با تصویب قوانین و لوایح و اسفای میثاقهای بین‌المللی (توردیک) و نیز ایجاد مراکز اجرایی به عنوان ساز و کارها (مکانیزم‌های افزایش پیشرفت زنان و ارتقای برابری به اجرا گذاشته است.

زنان و اقتصاد

زنان فنلاند از حدود سه قرن پیش برای وارد شدن در فعالیت اقتصادی تلاش کردند. آنان ابتدا بابه کارگری مهارتهای خود در خانه و کار در مزرعه و سپس با کسب اجازه و امتیاز کار و تحصیل وارد بازار کار شدند و برای رسیدن به استقلال اقتصادی کوشش نمودند. امروزه استقلال اقتصادی اساس برابری زن و مرد تلقی می‌شود. فنلاندی‌ها یکی از اهداف استمرار سیاست تساوی زن و مرد را نیل به تقسیم مساوی منابع مالی و دیگر منابع بین زنان و مردان می‌دانند. به زعم آنها برداشت «نوردیکی» از مسأله تساوی زنان و مردان، مضمین استقلال اقتصادی و حق مساوی کار و زندگی خانوادگی برای هر دو جنس است. بنابراین زنان فنلاند به نحو فشرده و تمام وقت در زندگی کاری مشارکت دارند. در حال حاضر ۴۷ درصد کل نیروی دهمه‌های اخیر متکی بر نریم، کار زنها بوده است، نریم نریم، کار زن پس از جنگ جهانی ۵۰ درصد افزایش یافته است.

تجارت

در حدود یک سوم مؤسسان کمپانی‌ها و شرکت‌ها زنان هستند. عموماً آنان به عنوان صاحب شرکت‌های کوچک، با کادر محدود در بخش خدمات فعالیت می‌کنند. تعداد استخدام‌شدگان در این گونه مؤسسات غالباً بیش از ۵ نفر نیست. تجارت زنان بخش عمده‌ای از زندگی اقتصادی فنلاند را تشکیل می‌دهد. برخی از آنها مؤسس شرکتهای تولیدی بزرگ هستند.

● فنلاندی‌ها معتقدند

برابری بین زن و مرد مستلزم تشابه آنان نیست، بلکه بر عکس باین معنی است که عدم تشابه، نباید منجر به وضعیت نابرابر زنان و با رفتار نامساوی با آنان در جامعه شود.

● زن فنلاندی با توجه

به ارزشهای سنتی خود، هیچگاه در پی دست‌یابی به یک زندگی اشرافی و تجملی نبود. یک کدبانوی فعال و کوشا، جلوه آشنا و مانوس هر خانواده بود.



● حدود یکسوم
 ● رالده تالویشنا
 ● مؤسسان قلمیانی جن
 ● ۷۱ بلعت زاعنایا ۲۰۲۱
 ● شرتقا، زنان شهنش
 ● خلیص از ۷۰ جوق
 ● عود ما اغان که اوجوق
 ● ۴ زنان زانوینا
 ● صاحب شرتقا
 ● شله در زن برتقا
 ● کورچک یا کور سقور
 ● عجب و تیرشیمو
 ● ۴ بزایان شهنش
 ● عتکسه ناز جوق
 ● ۴ یکی از مشاغل نوکایر
 ● بین زنان معلمی است.

تعداد روزنامه نگاران زن و مرد در فنلاند تقریباً برابر است.

- تعداد روزنامه نگاران زن و مرد در فنلاند تقریباً برابر است.
- زنان روزنامه نگار در فنلاند از سطح آموزشی بالاتری از مردان برخوردارند ولی موفقیت آنان در پستیهای تصمیمگیری و برنامه ریزی، پایین تر و تأثیر مردان بیشتر است.

امر موجب داشتن هیچ گونه حق اجتماعی برای آنان نبود. دو بیشتر کشورهای شمال اروپا زنان، ابتدا به حق رأی هر سطح محلی نائل می شدند و سپس در سطح ملی. در فنلاند زنان ابتدا حق رأی در سطح ملی را به دست آورند و حق رأی شهری تا سال ۱۹۱۷ همزمان با اعلام استقلال فنلاند از روسیه به دست نیامده بود. زنان مجرد، مطلقه و بیوه حتی در انتخابات را در نیمه دوم قرن نوزدهم همانند مردان به دست آورده بودند. به طور کلی بحث فعال درباره موقعیت زنان در نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد. این ایده که همه انسانها متعلق به یک ملتند در این دوران توت گرفت و زنان بر جایگاه خود در بین مردم تأکید کردند. زنان و کارگران فعالیت اجتماعی وسیعی را آغاز کردند. فعالیت های زنان در دوره های دوزندگی و هنری، کار اجتماعی، فعالیت در سازمانهای مذهبی و اخلاقی و معنوشاههای الکلی و کارهای مشابه دیگر موجب به دست آوردن تجاری شد که آنان را قادر ساخت که کاستی ها را در جامعه بشناسند و درصدد ریشه یابی و

در سال ۱۹۸۷ وزارت صنعت و تجارت، برنامه آموزشی تحت عنوان مدرسه تجاری زنان را آغاز کرد. هدف از این برنامه توسعه مهارتهای زنان صاحب شرکت و تجارت بود. زنان در شکل دادن استثنای بین المللی مدیریت زنان در دهه ۱۹۸۰ پیشقدم شدند. هدف این مؤسسه که در سال ۱۹۹۸ آغاز به کار کرد پرورش مدیریت جدید در راستای توسعه و تأکید بر استفاده از منافع زنان بود. در سال ۱۹۸۶ به عنوان اولین زنان اروپایی بودند که در سال ۱۹۸۶ به حق رأی در انتخابات سیاسی دست یافتند و جزو اولین زنانی بودند که واجد شرایط انتخابات پارلمانی شدند. از دهه ۱۹۸۰ زنان افزایش فعالیت اجتماعی خود را آشکار کردند. تا آن زمان طبیعی بود که مردان حق رأی داشته و امکان مشارکت در تصمیم گیری های اجتماعی برای زنان بسیار محدود باشد. اگر چه جامعه در بهره گیری اقتصادی از زنان اشتیاق نشان می داد، ولی این

حل آن برآیند. زنان برای رسیدن به حقوق سیاسی و اجتماعی خود مجبور بودند از یک طرف با سستهای نامطلوب اجتماعی مبارزه کنند و از طرف دیگر قابلیت‌ها و شایستگی‌ها خود را با کار بیشتر و تلاش وسیع‌تر نشان دهند. زنان و مردان همدوش هم برای استقلال فنلاند رنج برده و مبارزه کرده بودند.

زنان در پارلمان

حق رأی نقطه تحول حرکت زنان بود. در اولین انتخابات پارلمانی که در سال ۱۹۰۷ برگزار شد زنان ۵۲ درصد آرا را به دست آوردند و ۱۹ زن در این انتخابات به مجلس راه یافت که حدود ۱۰ درصد مجموع نمایندگان بود. نسبت زنان نماینده تا دهه ۱۹۶۰ به ۱۷ درصد رسید. در انتخابات ۱۹۷۰، ۲۲ درصد اعضای پارلمان زنان بودند و در انتخابات ۱۹۹۱، ۳۸/۵ درصد یعنی ۷۷ نفر از ۲۰۰ نماینده زن بودند. در انتخابات ۱۹۹۵ به رغم شعار سازمانهای زنان در زمینه مشارکت بیشتر زنان در انتخابات و طرح ۱۰۱ زن در مجلس، تعداد زنان تقلیل یافت. در این دوره ۶۸ زن به مجلس راه یافتند (۹ نفر کمتر از دوره قبل) که این تعداد ۳۳ درصد کل نمایندگان می‌باشند. در انتخابات ۱۹۹۱ تعداد زنان رای دهنده نیز بیش از مردان بود.

معمولاً نامزدهای انتخاباتی به وسیله احزاب معرفی می‌شوند. در مواردی تعداد نامزدهای زن از مردان بیشتر است.

تا سال ۱۹۹۲ زنان نماینده تا سطح معاونت مجلس ارتقا یافته بودند. در این سال اولین زن به عنوان ریاست مجلس انتخاب شد. این زن از سال ۱۹۸۳ عضو پارلمان و از سال ۱۹۹۱ وزیر آموزش و پرورش بوده است. با آن که تعداد زنان در بین اعضای پارلمان افزایش یافته، ولی میزان تأثیر آنان در کارهای پارلمانی هنوز با مردان برابر نیست.

تا سال ۱۹۹۲ تنها دو نفر از مسزولان کمیته‌های چهارده گانه پارلمان زن بودند و از ۲۲۲ کرسی کمیته‌ها، ۷۸ کرسی متعلق به زنان بود. زنان اکثر آ عضو کمیته‌های امور اجتماعی، بهداشت، تعلیم و تربیت و فرهنگ می‌باشند.

این گرایش بیانگر وضعیت مشابه زنان در سیاست پارلمانی با دیگر بخش‌های کار در جامعه می‌باشد. یعنی همان جدایی جنسی کار که در دیگر سطوح جامعه

وجود دارد.

زنان و ریاست جمهوری

روسای جمهور فنلاند تاکنون از بین مردان انتخاب شده‌اند. در انتخابات سال ۱۹۹۲ یک زن به نام الیزابت رهن (وزیر دفاع وقت) به مرحله دوم انتخابات راه یافت و ۲۶/۱ درصد آرا را به خود اختصاص داد. آرای او ۷/۸ درصد کمتر از رقیب انتخاباتی‌اش بود و نتوانست به سمت ریاست جمهوری نایل شود.

زنان در دولت

اولین زن در سال ۱۹۲۶ به سمت وزارت پست و امور اجتماعی منصوب شد. این زن کارگر بود و از طریق حرکت زنان طبقه کارگر وارد کابینه شد. با شروع دهه ۱۹۷۰ تعداد وزرای زن به سه نفر رسید و در ۱۹۸۷ چهارزن به عنوان وزیر انتخاب شدند. در انتخابات سال ۱۹۹۱ و تشکیل کابینه از تعداد ۱۷ وزیر، ۷ نفر من جمله وزیر دفاع و وزیر دادگستری زن بودند. در انتخابات اخیر (سال ۱۹۹۵) مجدداً از ۱۸ وزیر ۷ نفر از بین زنان برگزیده شدند که برای اولین بار وزیر خارجه نیز جزو آنان بودند.

زنان، فرهنگ و آموزش

میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های هنری و بهره‌گیری آنان از امکانات و خدمات فرهنگی در جامعه بیانگر وضعیت زنان در این حوزه می‌باشد.

زنان فنلاند از اوایل قرن نوزدهم در کارهای هنری بخصوص نقاشی و تصویرگری فعالیت داشته‌اند. اما تعلیم سازمان یافته هنر در سال ۱۸۲۶ با بنیانگذاری جامعه هنر فنلاندی آغاز گردید.

بخش تاریخ هنر دانشگاه هلسینکی در حال حاضر مطالعه در زمینه زنان هنرمند فنلاندی را تحت عنوان «زنان، تاریخ، هنر» هدایت می‌کند. برحسب یافته‌های اولیه نقاشان زن فنلاندی در سال ۱۸۹۰، ۵۲ نفر بودند که در خارج از کشور تحصیل کردند. آمارهای دهه‌های ۱۹۶۰-۱۸۸۰ بر مشارکت گسترده دانشجویان زن در رشته هنر و پیشرفت چشمگیر آنان دلالت دارد. در دهه ۱۸۸۰، ۷۱ درصد دانشجویان رشته هنر در هلسینکی زنان بودند که ۸ درصد آنان تا مرحله حرفه‌ای شدن به تحصیل ادامه دادند. در دهه ۱۹۲۰، ۴۸ درصد دانشجویان رشته فوق را زنان تشکیل می‌دادند و ۱۵

درصد هنرمند حرفه‌ای شدند. و در دهه ۱۹۶۰ از ۵۲ درصد دانشجو ۴۹ درصد به صورت حرفه‌ای درآمدند. برحسب آمار فوق از دهه ۱۸۸۰ تعداد زنان هنرمند فنلاندی رو به افزایش نهاد و به نحو قابل ملاحظه‌ای بیش از تعداد آنها در سوئد و نروژ گردید.

خاتم نیکلا از محققین مطالعات هنری می‌گوید: پیشرفت چشمگیر و سریع زنان در رشته هنر معلول بالا رفتن اعتبار و منزلت هنر در جامعه فنلاند و تأثیر ارزشهای عمومی جامعه کشاورزی در بین زنان می‌باشد. زن فنلاندی با توجه به ارزشهای سنتی خود هیچ‌گاه در پی دستیابی به یک زندگی اشرافی و تجملی نبود. یک کدبانوی فعال و کوشا جلوه آشنا و مانوس هر خانواده بود. زندگی اشرافی و همراه با خوشگذرانی آن‌چنان نادر بود که مفهوم دقیق طبقه اشرافی زنان هرگز در فنلاند توسعه نیافت و هنرمند شدن به عنوان یک امر نامناسب برای زنان تلقی نشد.

نقش زنان تأثیر مهمی در توسعه صنایع هنری در فنلاند داشته است. دانشجویانی که نمی‌توانستند به عنوان هنرمند حرفه‌ای به جامعه راه یابند از طریق مختلف هنر خود را به کار می‌گرفتند. آنان استمداد هنری خود را در هنرهای تزئینی و کارهای دستی که به نحو سنتی و از دیرباز متعلق به زنان بود به کار می‌گرفتند. ضمناً تعلیمات هنری خود کاری ارزشمند بود. هنرمندانی که بعد از دهه ۱۹۳۰ مورد احترام هم عصیان خود قرار گرفتند و شهرت جهانی یافتند ریشه قوی در سنتهای ملی و هنر بومی خود داشتند. امروزه به عنوان مثال هنر منسوجات فنلاندی در سبک‌های هنری با استفاده از فن سنتی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده ارائه می‌گردد.

زنان و خانواده

در کشور ۵ میلیون نفری فنلاند حدود ۱/۴ میلیون خانواده وجود دارد. به عبارتی چهارپنجم مردم این کشور در محیط خانواده زندگی می‌کنند. در چهارده سال اخیر شمار خانواده رو به افزایش بوده ولی نسبت به خویشتن‌اندی افرادی که در یک خانواده و زیر یک سقف زندگی می‌کنند محدودتر شده است.

فنلاندی‌ها خانواده را دوگانه تعریف می‌کنند برخی از جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران فنلاندی اصطلاح Refrigerator Mod را برای خانواده به کار می‌برند، از آن

جهت که یک گروه افراد قطع نظر از وضعیت نکاحی یا قانونی در زندگی روزمره سهم می‌شوند. برخی دیگر مفهوم سنتی را در تعریف خانواده ترجیح می‌دهند. مطابق این تعریف خانواده شامل زن، شوهر یا فرزندان یا یکی از پدر یا مادر یا فرزندان می‌باشد.

در قانون جاری فنلاند مفهوم خانواده با توجه به اعمال مزایای متفاوت برای اشکال متعدد آن به طرق مختلف تفسیر شده است.

به نظر فنلاندی‌ها، رفتار بیطرفانه نسبت به انواع خانواده، مستلزم برخورداری آنان از موقعیت برابر در قانون است.

زندگی خانوادگی را می‌توان به دو گونه اصلی تقسیم کرد:

۱- خانواده متشکل از زن، شوهر و فرزندان (ازدواج)؛
 ۲- خانواده متشکل از زن، مرد و فرزندان (بدون نکاح).
 هر یک از این دو نوع بر حسب وضعیت زندگی مشترک و فرزندان دارای اشکال متعددی به صورت‌های زیر می‌باشند:

- خانواده مرکب از زن و شوهر و فرزندان خود آنها؛
 - خانواده مرکب از زن و مرد و فرزندان متولد شده از آنها (بدون ازدواج)؛

- خانواده مرکب از مادر و فرزندان؛
 - خانواده مرکب از پدر و فرزندان؛
 - خانواده مرکب از زن و شوهر در ازدواج مجدد با فرزندان زن یا فرزندان مرد و یا فرزندان هر دو؛

- خانواده مرکب از زن و مرد در زندگی مشترک بدون ازدواج یا فرزند یا مرد و یا فرزندان هر دو. حدود نیمی از خانواده‌ها در فنلاند با ازدواج زن و مرد تشکیل می‌شود و بقیه بدون ازدواج مشترکاً زندگی می‌کنند. با افزایش آمار طلاق در سالهای اخیر خانواده‌های نوساخته Reconstructed و خانواده‌های تک والدینی رو به افزایش است.

آمار خانواده‌های دویباره به وجود آمده در سال ۱۹۹۲، به تعداد ۲۴۰۰۰ یعنی ۷ درصد خانواده‌های دارای فرزند بوده است. تعداد خانواده‌هایی که تحت سرپرستی یکی از والدین اداره می‌شود در سال ۱۹۹۳، ۱۰۲۸۱۰ یعنی ۱۶ درصد کل خانواده‌ها بوده است. خانواده، در شکل زندگی فرزندان با پدر، رواج بیشتری می‌یابد.

● حدود یکسوم

مؤسسان کمپانی‌ها و

شرکت‌ها، زنان هستند.

عموماً آنان به عنوان

صاحب شرکت‌های

کوچک، با کادر محدود

در بخش خدمات

فعالیت می‌کنند

● یکی از مشاغل فراگیر

بین زنان معلمی است.